

## چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی و مقایسه عملکرد دانش آموزان مبتلا به اختلالات رفتاری و دانش آموزان عادی در ترسیم (HTP) خانه، درخت، شخص) در مقطع ابتدایی می باشد. بدین جهت ۶۰ دانش آموزان مبتلا به اختلالات رفتاری (غیر تصادفی) با ۶۰ دانش آموزان عادی (تصادفی) به عنوان نمونه، بوسیله تست ترسیم (خانه، درخت، آدم) و پرسشنامه مربوط به آن مقایسه گردید. این نمونه ها از میان ۶ مدرسه ابتدایی در ناحیه ۳ آموزش و پرورش شهرستان کرج در شهر ماهدشت (مردآباد) برگزیده شد. در این تحقیق روش زمینه یابی مورد استفاده واقع شد. نتیجه اینکه در عملکرد دانش آموزان مبتلا به اختلالات رفتاری با دانش آموزان عادی در تست ترسیم (درخت - خانه - شخص) تفاوت‌های چشمگیری در زمینه های چون حذف، بزرگی، گوشه ها، بکارگیری رنگهای سرد مانند خاکستری، سیاه، آبی، سبز مورد مشاهده قرار گرفت، که موارد گفته شده در نقاشی کودکان مشکلدار بیشتر دیده می شود. در حالیکه در نقاشی کودکان عادی ویژگیهای نقاشی سالم ملاحظه می شود.

## فصل اول

### طرح تحقیق

#### مقدمه

هنر در شکل گیری شخصیت و روان کودک نقش دارد و نه تنها به او امکان شناسایی محیط و شرکت خود را در آن فراهم میسازد و یا سئوالاتی را برای او مطرح میسازد، بلکه به او امکان می دهد تا مسائلی را که بصورت نامنظم از همه طرف برایش مطرح است به شکل صورت بندی شده منظم کند به این ترتیب کودک با تجزیه و تحلیل مسائل مختلف موفق می شود شالوده کم و بیش منظم و درستی از آنها را ارائه بدهد.

سالهاست که روان شناسان، با تحقیق در زمینه های مختلف رشد در پی نشان دادن این مطلب بوده اند که کودک متفاوت از بزرگسال است و مینیاتور بزرگسال نیست. این تلاش در برخی زمینه ها که انجام پژوهش در آنها از سهولت بیشتری برخوردار است (مانند مسائل مربوط به رشد جسمی) از دیر باز صورت گرفته و تا

حدی نیز موفق بوده است. اما موضوعات پیچیده تری چون رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودک با وجود اهمیت زیادی که دارد کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است، و در این میان مقوله رشد هنری کودک و ویژگیهای آن کمتر بها داده شده است و در نتیجه هنر کودک هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته است و اغلب با معیارها و قوانین حاکم بر هنر بزرگسالان در مورد آن قضاوت شده است، هنر کودک انواع متفاوتی دارد که هر یک ویژگیهای مراحل رشد، ساختارها و قانونمندیهای خاص خود را دارد. نقاشی، موسیقی، نمایش، شعر، داستان و کارهای دستی و ... از جمله فعالیتهای هنری کودک است، کودک در فعالیتهای هنر خود از قوانین، منطق و معیارهای بزرگسالان تقلید و پیروی نمی کند بلکه شیوه ها و مفاهیم و ارزشهای آنرا خود پایه گذاری می کنند.

هنر کودک، هنری مستقل، اصیل و خاص خود است و شکل ناقص و ناکامل هنر بزرگسال نیست که در تکامل خود به آن تبدیل شود و تفاوت هنر کودک و بزرگسال، تفاوتی کیفی و ماهوی است نه کمی، و در نتیجه نمی تواند به عنوان کار هنری در بزرگسال تلقی شود و یا در ادامه خود به آن تحول یابد.

کودکان در انجام فعالیتهای هنری مانند جنبه های دیگر رشد خود با یکدیگر متفاوت اند. تفاوتهای فردی در زمینه فعالیتهای هنری به علت طبیعت خاص این فعالیتها بیشتر به چشم میخورد، این تفاوتها هم در انتخاب فعالیتهای مختلف و هم در انجام یک فعالیت خاص دیده می شود. کودکی به نقاشی بیشتر از موسیقی علاقمند است و آنرا بهتر انجام می دهد، کودک دیگری در نمایشگری موفق تر است. همه کودکانی که به نقاشی می پردازند حتی در یک مقطع سنی از نظر مهارت و علاقمندی یکسان نیستند. از این رو تحمیل فعالیتهای هنری به کودکان، مقایسه آنها با یکدیگر و نمره دادن به کارهای هنری آنها به منزله نادیده گرفتن تفاوتهای فردی آنها است. هدف از پرداختن به فعالیتهای هنری برای کودک بوجود آوردن یک اثر زیبا نیست و اصولاً کودک در انجام این فعالیتها به شیوه و نتیجه کار خود توجهی ندارد و آنچه برای او مهم است و لذت بخشی خودکار و روند آن است. درست است که فعالیتهای هنری منجر به رشد حس زیباشناسی در کودک می شود اما مفهوم زیبایی از نظر کودک با بزرگسال متفاوت است. همانگونه که سایر مفاهیم و معیارهای هنری او با بزرگسال تفاوت اساسی دارد.

کودک با انجام فعالیت آزاد و خلاق هنری و ارتباط آن با خواسته‌ها و نیازهای خود به درک مفهوم زیبایی می‌رسد. به گفته پیاژه زیبایی مانند حقیقت زمانی ارزش دارد که توسط فردی که به آن دست می‌یابد از نو پایه گذاری شود و بنظر برخی روان شناسان مانند اشترن معتقدند کودکان بدون نیاز به آموزش تکنیکهای هنری، بطوری طبیعی توانایی خلق آثار زیبا را دارند و این مهارت بخصوص در نقاشیهای آنها به روشنی دیده می‌شود.

از این رو تربیت هنری کودک از حساسیت خاصی برخوردار است. مقصود از تربیت هنری این است که محیط و امکانات مناسب را در اختیار کودک قرار دهیم تا خود به فعالیت و تجربه و کشف بپردازد. حس کنجکاوی، قدرت مشاهده و تفکر و دقت او را برانگیزیم و فرصتهای مناسبی را برای پرورش حواس او فراهم سازیم. هدف از تربیت هنری کودک آن نیست که او را نقاش، موسیقی دان و مجسمه ساز و هنر پیشه و یا بطور کلی هنرمند بار آوریم. هدف اصلی این است که کودک بتواند از خلاقیت خود را برای بیان آزادانه اندیشه‌ها، خواسته‌ها و احساساتش استفاده کند.

از این رو توجه به رشد کودک به عنوان پایه ای زیستی - روانی برای انجام فعالیتهای هنری اهمیت اساسی دارد و رشد هنری کودک در ارتباط تنگاتنگ با رشد جسمی، ذهنی، روانی و عاطفی اوست و در هر مرحله از رشد باید کار هنری مناسب با آن مرحله را انتظار داشت، توجه به رشد کودک به این معناست که باید محیطی مناسب برای او ایجاد کنیم تا آزادانه به تجربه و عمل بپردازد و تواناییهای او را هر چه بارورتر و شکوفاتر سازد.

نقاشی به عنوان یک فعالیت هنری و وسیله ای برای بیان احساسات و افکار در فرآیند پرورش کودکان همواره مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. دانشمندان تعلیم و تربیت، روان شناسان و روانپزشکان از دیرباز نقاشی را به عنوان وسیله ای برای سنجش ابعاد شناختی و عاطفی شخصیت و همچنین عامل مهمی برای رشد و پرورش استعدادها و تواناییهای خلاقه کودکان مورد توجه قرار داده اند. توجه متخصصان تعلیم و تربیت به نقاشی از آن جهت بوده است که از راه نقاشی می‌توان مهارت های مهم مانند تفکر دیداری، بیان

افکار و احساسات و قدرت خلاقیت را در کودکان پرورش داد و علاقه روان شناسان به مطالعه نقاشی کودکان نیز از آنجا ناشی می شود که به نظر آنان با استفاده از نقاشی می توان هوش و تواناییهای شناختی کودکان را اندازه گیری کرد.

نقاشی کودکان وسیله ای است که از طریق آن خواستهها و مشکلات خود را به شکل خلاق و مطلوب منعکس می سازد و در نتیجه سلامت روانی آنها تا حد زیادی تأمین می شود. از اینرو هنر نه تنها در آموزش و پرورش کودکان بلکه در شناخت و درمان آنها اهمیت اساسی می یابد. از این روست که برخی روانپزشکان و روانکاوان نیز نقاشی را به عنوان وسیله ای برای بیان احساسات و «تخلیه هیجانی» مورد استفاده قرار می دهند. «هنر درمانی» که برای درمان بیماریهای روانی ناشی از اختلالات عاطفی بکار می رود بر این فرضیه استوار است که بیان احساسات از طریق فعالیتهای هنری از جمله نقاشی موجب پالایش یا تخلیه هیجانی می شود و برای بیماران روانی اثر درمانی دارد.

شکل واقع گرایانه نقاشی کودکان دارای ارزشی معادل صحبت کردن و نوشتن است و از آنجا که یک شیوه غیر مستقیم برای بدست آوردن اطلاعات در زمینه مسائل عاطفی، اضطرابات درونی، ارتباط کودک با دیگران و انگیزش وی نسبت به محیط پیرامون خصوصاً محیط خانواده است و در نهایت نقاشی برای کودک وسیله ای برای بیان خویشتن است تا اینکه وسیله ای برای ایجاد زیبایی باشد. نقاشی برای کودکان وسیله ای است که کودکان از طریق آن خواستهها، مشکلات خود را به شکل خلاق و مطلوب منعکس میسازد و در نتیجه سلامت روانی آنان تا حد زیادی تأمین می شود.

نقاشی برای کودک نوعی برون فکنی است که از آن طریق احساسات و آرزوهای خود را به نمایش می گذارد و راهی برای ما به سوی شناخت خود می گشاید و از آنجا که آثار هنری کودک مبتنی بر فعالیت آزاد است انعکاس روشنی از نیازهای درونی او وسیله ای برای شناخت اوست.

در این تحقیق سعی بر آن است که کودکان مبتلا به اختلال شب ادراری، ناخن جوی و لکنت و اثرات آن را در نقاشی خانه - آدم - درخت در کودکان دوره ابتدایی شهر ماهدشت انتخاب شده اند مورد بررسی و

پژوهش قرار دهیم و از دید دیگری به هنر و نقاشی کودکان نگاه کنیم. چرا که معتقدیم نقاشی برای کودکان وسیله ای است که از طریق آن خواستهها، آرزوها، ناکامیها و مشکلات خود را در آن منعکس می سازند و نوعی برون فکنی است.

### بیان مسئله

در این پژوهش سعی بر آن است که با استفاده از نقاشی بعنوان یکی از ابزارهای مهم شناخت مشکلات رفتاری کودکان تفاوت عملکرد کودکان مبتلا به شب ادراری - ناخن جوی و لکنت زبان درآزمون خانه، درخت، شخص مورد بررسی قرار گیرد. که یک خانه، یک درخت و یک شخص را که به عنوان معرف جنبه های مختلف خود تلقی می شوند ترسیم کند. چرا که میدانیم مهمترین قسمت از دوران زندگی خود را در خانواده میگذرانند و نخستین تجربه های سازشی وی با پدر و مادر و خواهر و برادرانش تحقق می یابد. و وقتی صحبت از مشکل کودک است با خانواده دارای مشکل است و خانواده است که مشکل را برای او بوجود آورده است.

در این تحقیق هدف اصلی از این بررسی شناخت نگرش کودکان نسبت به والدین خود و نیز شناخت مشکلات رفتاری خانوادگی آنان است. فرض اساسی در این پژوهش آن است که نقاشیهای کودکان خانواده های مشکل دار و عادی تفاوت دارد و این تفاوت در دو قسمت چهارچوب و محتوای نقاشی می باشد. قسمت اول یعنی خطوط، فضا و رنگ که در تمام نقاشیها وجود دارد و نشانگر خصوصیات عمومی شخص کودک است و قسمت دوم محتوی نقاشی است که اشاره به عواملی مانند کردن (فاصله بین شخص و درخت و خانه) و ارزنده سازی (برجسته نمودن شخص، میوه برای درخت و شکلهای مختلف در داخل خانه) حذف شخص، حذف اعضای بدن، اضافه نمودن شخصیتهای دیگر و... می باشد. در این بررسی توجه ما در چهارچوب نقاشی به ترکیب رنگها، تنوع رنگها، عدم کاربرد رنگهای سرد و گرم کوچک یا بزرگ نمایی و تناسب نقاشی با سن کودک است.

در محتوای نقاشی توجه به وضعیت ترسیم خانه و درخت و بخصوص شخص (فاصله آنها)، اضافه کردن بعضی از شکلها، حذف شخص و اعضای بدن ... بوده است.

بررسیها نشان می دهد که نقاشی کودکان که دارای مشکلات هیجانی و عاطفی در خانواده هستند نسبت به کودکانی که دارای مشکلات عاطفی نیستند و یا مشکلات کمتری دارند از تنوع رنگ کمتری برخوردار است و بیشتر تمایل دارند که از رنگهای سرد (سبز - بنفش - آبی) نسبت به رنگهای گرم (قرمز - زرد - نارنجی) استفاده نمایند بنا به نظر واهنر فقدان رنگ در تمام یا قسمتی از موضوع نقاشی کودک نشانگر خلأ عاطفی اوست کودکان سازگار در نقاشیهایشان بطور متوسط از پنج رنگ استفاده می کنند در حالی که کودکانی که دارای مشکل عاطفی هستند از یک یا دو رنگ بیشتر استفاده نمی کنند.

تحقیقات نشان می دهد که معمولاً کودکانی که از رنگهای تیره در نقاشیهایشان استفاده می کنند در خانه از آرامش کافی برخوردار نیستند و غالباً پس از بررسی از مشاجرات پدر و مادر یا بد اخلاقی والدین گله می کنند.

سئوالات اساسی مطرح شده در زمینه محتوای نقاشی را با استناد به کارهای انجام شده و توجه به شاخصهای عاطفی در نقاشی کودکان که خانم الیزابت کوپتیز آن را مطرح نموده است طرح شده است. به نظر کوپتیز نقاشی کودک نخست انعکاسی از سطح رشد کودک و روابط بین فردی او به عبارت دیگر بیانگر نگرشهای او نسبت به خود و سایر افرادی است که در زندگی وی مهم تلقی می شوند.

بطور کلی در این بررسی سئوالات اساسی مطرح شده است که در واقع همان تفاوت محتوایی است که نقاشیهای کودکان خانواده عادی و مشکل دار، دارند که عبارتند از:

- ۱- آیا کودکان عادی و مشکل دار بیشتر به حذف اعضای مختلف خانه، درخت و شخص می پردازند؟
- ۲- آیا کودکان مشکل دار بیشتر به حذف اعضای بدن و نقاشی بدن در نقاشی نسبت به کودکان خانواده های عادی می پردازند؟

۳- آیا کودکان مشکل دار بیشتر خانه و شخص و درخت را در نقاشی با فاصله ترسیم می کنند؟

۴- آیا نقاشی کودکان مشکل دار در مقایسه با کودکان عادی از تنوع کمتر رنگ برخوردار است؟

۵- آیا کودکان عادی در نقاشی از رنگهای گرم بیشتر و کودکان خانواده مشکل دار از رنگهای سرد استفاده

می کنند؟

۶- آیا نقاشیهای کودکان مشکل دار تناسب کمتری با سطح رشدی آنها دارد یا خیر؟

۷- آیا کودکانی که والدینشان از هم جدا شده اند نگرش منفی را نسبت به نقاشی دارند؟

با توجه به اهمیت موضوع، یکی از انگیزه های عمده این پژوهش علیرغم توضیحات کلی مذکور مشاهدات و نمونه هایی است که معلمین در طول دوران تدریس همواره با آن مواجهند و آثار و نتایج ناگوار و نابهنجار آن را در جنبه های مختلفی که بحث آن در فصول آتی خواهد رفت به عینه دیده و شنیده اند و در حقیقت همین تجربیات و مشاهدات بوده که انگیزه و موجبات اصلی تحقق چنین پژوهش را فراهم نموده.

اهداف تحقیق

اهداف کلی:

هنر کودک با ویژگیهای خود نقش مهمی در آموزش و پرورش و شناخت و درمان او دارد. کنجکاوی علمی پژوهشگر در جهت شناخت احساسات و آرزوهای کودک از طریق نقاشی، دلیل انتخاب این پژوهش است. در نقاشی HTP هدف بررسی نگرش مثبت و منفی کودکان نسبت به خانواده (والدین)، تشخیص مشکلات خانوادگی و رفتاری کودکانی که شب ادرازی، ناخن جوی و لکنت زبان در مقایسه با کودکانی که محیط مطلوبی را برای زندگی دارند و ایجاد انگیزه در افرادی که به نحوی با مسائل و مشکلات کودکان سروکار دارند جهت استفاده از هنر کودک جهت شناخت او، از اهداف کلی است که در این پژوهش مورد نظر می باشد.

اهداف ویژه (خاص):

اهداف ویژه در این پژوهش بررسی نقاشی کودکانی است که شب ادرازی، ناخن جوی و لکنت زبان، در مقایسه با کودکانی که مشکل رفتاری ندارند. و همچنین پاسخ دادن به این سؤال که آیا کودکانی که دارای محیط نامناسب در خانواده هستند آیا مسائل و مشکلات خود را از طریق ترسیم خانه، درخت و شخص نشان

می دهند یا خیر؟ آیا بین عملکرد دانش آموزان مبتلا به اختلالات رفتاری و دانش آموزان عادی در ترسیم این تست تفاوت وجود دارد؟ آیا نقاشی خانواده های پرجمعیت با خانواده های کم جمعیت اختلافی وجود دارد؟ و ...

### سوالات تحقیق

۱- آیا بین عملکرد دانش آموزان مبتلا به اختلالات رفتاری و دانش آموزان عادی در تست ترسیم (آدم -

درخت - خانه) تفاوت وجود دارد؟

۲- آیا ابتلاء به اختلالات رفتاری در خانواده های پر جمعیت بیشتر می باشد؟

### اهمیت و ضرورت تحقیق

در این پژوهش سعی بر آن است که از دید دیگری به مسئله مشکلات رفتاری کودکان و اختلافات خانوادگی کودکان پرداخته شود. شناخت بیشتر و بهتر احساسات و آرزوها و نیازهای کودکان بخصوص کودکانی که در محیط خانواده و در اثر مشکلاتی که دیگران برای آنها بوجود آورده اند و دچار مشکلاتی هستند و تأثیراتی که اختلافات خانوادگی و حتی طلاق بر روی کودکان و عملکردهای آنان می گذارد و نگرشی که کودکان نسبت به این مسائل و مشکلات رفتاری و نگرش آنها نسبت به خانواده و بخصوص (شب ادراری ناخن جوی و لکنت زبان) از موارد اهمیت این پژوهش می تواند باشد که خود این شناخت می تواند برای افرادی که به نحوی در ارتباط با کودکان هستند و بخصوص مشاوران و روانشناسان و حتی والدین و معلمان مفید و کمکی بزرگ در چاره جویی و پیشگیری از بروز این مسائل باشد.

تحقیقاتی که در مدارس ابتدایی با استفاده از تست ترسیم HTP صورت گرفته است بر این نکته تاکید دارد که هنر و بخصوص نقاشی به عنوان یک ابزار مهم می تواند شناخت بیشتر از مشکلات و خواسته های کودکان به ما بدهد. همانگونه که اشاره شده به دلایل خاص امکان دارد که کودکان آن اطلاعاتی را که مورد نیاز یک مشاور جهت شناخت کودک و محیطی که در آن زندگی می کند در جلسات ابتدایی و حتی هیچگاه بطور مستقیم و واضح بیان ننماید ولی زمانی که برای شناخت از هنر و از آن جمله نقاشی استفاده شود در

واقع تصویر دقیقی از کودک و خانواده خود برای معلم و مشاور رسم می نماید و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار او قرار می دهد. اهمیت این پژوهش ایجاد انگیزه در پژوهشگران و متخصصان امور روانی برای کار بیشتر بر روی هنر کودکان جهت شناخت آنها می باشد.

کاربردی که در این پژوهش می تواند با توجه به ابزاری که در آن جهت بررسی و تحقیق بکار می رود پاسخ دادن به این سؤال است که این ابزار تا چه اندازه می تواند جهت شناخت سریع مشکلات رفتاری کودکان چاره جویی برای رفع آن می تواند مؤثر باشد.

تعاریف عملیاتی متغیرها

۱- تعریف نظری نقاشی: فعالیتی است که از تحول شناختی عاطفی و اجتماعی تأثیر می پذیرد و به همین دلیل به مقیاس وسیع در تشخیص روانی و روان درمانگری به کار گرفته می شود.

۲- تعریف عملیاتی نقاشی: منظور از نقاشی در این تحقیق آن چیزی است که بوسیله تست ترسیم HTP (خانه، درخت، شخص)، (بوک و همبر) تفسیر و سنجیده می شود.

۳- خانواده های عادی: منظور خانواده هایی است که پدر و مادر با همدیگر زندگی می کنند.

۴- حذف اعضای بدن: به این معنی که کودک قسمتی یا قسمتهایی از اعضای بدن فرد ترسیم شده در نقاشی نکشیده باشد. و همینطور در خانه و درخت.

۵- شب ادراری: دفع مکرر ادرار طی روز یا شب در لباسها یا رختخواب می باشد.

۶- لکنت: یک نوع اختلال گویایی است که فرد مبتلا، بریده بریده سخن می گوید و با تکرار یا توقفهای غیر ارادی کلمات بیان او همراه است.

۷- تنوع رنگ: به این معنی که کودک بیش از پنج رنگ را در نقاشی خود بکار برده باشد.

۸- رنگ سرد: منظور استفاده از رنگهایی است که زمینه تیره تری دارند مانند: بنفش، آبی، سبز، خاکستری

۹- رنگ گرم: منظور کاربرد رنگهای قرمز، زرد، نارنجی در نقاشی کودک است.

۱۰- ناخن جوی: جویده شدن یکایک یا تمام ناخن ها توسط دانش آموز به مدت بیش از دو ماه به حدی

که هیچگاه احتیاج به گرفتن ناخن با ناخن گیر و مانند آن نباشد.

## فصل دوم

### پیشینه تحقیق

#### مقدمه

در این فصل با مباحثی درباره نقاشی سالم و مشخصات آنها، نقاشیهای فرافکنی، محاسن و محدودیتهای آن و اهمیت آنها، نقش هنر، تعریف اختلالات رفتاری و میزان شیوع آن و همچنین درباره تاریخچه، علل، میزان شیوع، ملاکهای تشخیص و درمان در اختلالات رفتاری در نوع ناخن جوی - لکنت زبان و شب ادراری و در آخر نیز به نقاشی کودکان عادی و مشکلدار خواهیم پرداخت.

کودکان چرا نقاشی می کشند؟

نقاشی به مثابه بازی

یکی از شیوه های سودمند پرداختن به این مطلب که چرا کودکان نقاشی می کشند، اندیشیدن به نقاشی به مثابه نوعی بازی است. یقیناً خود کودکان نقاشی را شکلی از بازی به شمار می آورند و با اشتیاق به آن می پردازند. یکی از نخستین نظریه های بازی این است که انسانها ذاتاً فعالند و بازی یکی از شیوه های تخلیه انرژی مازاد است. این نظریه، تبیین قابل قبولی برای نقاشی عرضه نمی کند زیرا نقاشی عموماً مستلزم صرف کمترین مقدار انرژی است. بعلاوه لوی (۱۹۷۸) خاطر نشان می کند که نظریه انرژی مازاد، به عنوان شیوه تبیین کلی بازی دو نقطه ضعف دارد. اولاً نمی تواند میان اشکال مختلف بازی فرقی بگذارد و ثانیاً فقدان بازی در گروههای معینی از کودکان از قبیل معلولان ذهنی را در مؤسسات ویژه زندگی می کنند تبیین نمی کند.

نظریه پیش تمرین

نظریه پیش تمرین بازی (گروس - ۱۹۰۱) نیز به نوعی گزینه بازی متوسل می شود و مانند انرژی مازاد نمی تواند تبیین کند که چرا بعضی گروههای کودکان (محروم) بسیار کم به بازی خود انگیزه می پردازند. (اسمیلانسکی ۱۹۶۸)

چنانچه نظریه پیش تمرین را به عرضه نقاشی تعمیم دهیم کودکان در کار هنری خود به تمرین و تکامل مهارتهایی می پردازند که وقتی بزرگتر شدند برای ایشان اهمیت خواهد داشت.

آیا بزرگسالان به فعالیتهایی میپردازند که بتوان نقاشی کودکان را به گونه ای قابل درک نوعی فعالیت آمادگی برای آن به شمار آورد؟ وانسومرز (۱۹۸۴) چندین نوع فعالیت ترسیمی بزرگسالان را مشخص می کند. وی از میان انواع فعالیتهای ترسیمی عمومی، کشیدن نقشه های، طرحها و نمودارهای درختی را برای گفتگو و تبیین انتخاب می کند. نقشه هایی که مهندسان و طراحان می کشند نوعی ابزار ارتباطی است و به تفکر و برنامه ریزی نیز کمک می کند. انواع دیگری از فعالیتهای ترسیمی که وان سومرز مشخص کرده است ماهیتی تفریحی تر دارند و لذا نقاشی کودکان نزدیکترند. از جمله مثالهای مربوط به این قبیل نقاشیهای تفریحی که وان سومرز در بررسی فعالیتهای گرافیکی روزمره مطرح کرده است می توان از خط خطی کردن ها و نقاشیهایی که احساس را بیان می کنند نام برد.

#### تبیین پیازه از نقاشی

از دیدگاه پیازه نقاشی چیزی در حد فاصله میان بازی و تصویر ذهنی است بر اساس نظریه پیازه رشد هوش در کودکی از طریق گذشتن از یک سلسله مراحل به میزان پیشرفت می کند که تا حدود زیادی بوسیله بلوغ زیست شناختی و بنابراین سن کودک، تعیین می شود. بنظر پیازه واکنشها متقابل با محیط به شکلهای جذب و انطباق رخ می دهد طبق روال طبیعی امور کودک خردسال همواره با ضرورت انطباق با یک دنیای اجتماعی و مادی خارجی مواجه است که تا حدود زیادی در فراسوی کنترل او قرار دارد. و فقط اندکی از آن را می فهمد. بنابراین از دیدگاه پیازه برای آنکه کودک به تعادل عاطفی و ذهنی دست یابد ضرورت دارد عرضه ای از فعالیت وجود داشته باشد که چندان در قید محرومیت عوامل خارجی نباشد و فرصت لازم برای جذب

را فراهم سازد. به عنوان مثال چنانچه به هنگام صرف نهار اتفاقی بیفتد می توان مطمئن بود که یکی دو ساعت بعد با عروسکها بازسازی شده و راه حل شادمانه تری برای آن ارائه می شود. بنظر پیاژه بعضی از نقاشیهای کودکان از این کیفیت برخوردار است که فقط به خاطر خودش انجام می گیرد و فرصتهایی برای جذب فراهم میسازد. لذا خط خطی کردنهای کودکان بسیار خردسال را "صرفاً بازی" قلمداد می کند. به هر روی، پیاژه اغلب نقاشیها را بر خلاف سایر شکل‌های بازی کوشش به منظور باز نمایی زیبایی واقعی نیز به شمار می آورد و بنابراین وجوه مشترک آنها با پیدایش تصاویر ذهنی بسیار زیاد است. در واقع به نظر میرسد که علاقه او به نقاشی کودکان در درجه اول به عنوان شاهدهی بر تایید نظریه هایش درباره تکامل بازنمایی دنیای واقعی در کودک و بویژه مفهوم فضا بوده است.

ایراد این نظریه این است که طبق این دیده معلوم نیست که دقیقاً چرا کودکان باید خواستار ارائه بازنمایی های گرافیکی از تصاویر ذهنی باشند. ایراد دیگری که بر دیدگاه پیاژه از تکامل فکری وارد می شود، تقسیم کردن آن به مرحله منفصل به ویژه در مورد نقاشی است.

#### رهیافت بالینی - فرافکنی

نظریه پایه ای اغلب در رهیافتهای بالینی - فرافکنی نسبت به نقاشی کودکان نظریه روانکاری است. نظریه روانکاری از کار بالینی زیگموند فروید سرچشمه گرفته اما بعداً مشمول تجدید نظرها و تغییرات فراوان شده است.

بر اساس نظرهای روانکاری امیال و خواستههای ناخود آگاه بر رفتار انسانی تأثیر می گذارد و خود را به شکل‌های دیگر یا صورتی پوشیده آشکار می سازند. (فروید، ۱۹۷۶)

در مورد نقاشی، نظریات فروید حاکی از آن است که کار هنری کودک عمیقاً تحت تأثیر امیال و ترسهای او قرار دارد. هر چند بیان این امیال ممکن است به صورتی نمادین یا پوشیده باشد. در مورد انگیزه های نقاشی کودکان یکی از جنبه های مهم نظریه روانکاری این اندیشه است که بیان امیال و احساسات ناخودآگاه حتی بصورتی پوشیده در یک نقاشی، دریچه اطمینانی است که امکان تخلیه بی زبان احساسات را فراهم می سازد.

احساساتی که در غیر این صورت ذخیره می شود و احتمالاً خطرناک خواهد بود. تحولات بعدی نظریه روانکاری دو عامل دیگر را نیز به عنوان دلایل نقاشی و بازی مطرح کرده است. نیاز به رشد کردن و نیاز به پذیرفتن نقش فعال و در کنترل بودن از این روست که اریکسون بازی را شیوه تفکر کودکان درباره تجارب دشوار و تقویت نوعی حس تسلط میدانند که بکارگیری این استدلال در عرصه هنر کودکان به معنای آن است که کودکان می توانند از نقاشی رضایت خاطر بدست آورند.

مشروط به آنکه در آنها حسی از تسلط بر محیط و نیز موضوعات و حالات تصویر شده ایجاد می کند.

نقاشی از دید عواملی حسی و یا ادراکی

بسیاری از صاحب نظران اعلام داشتند که بازخورد حسی ناشی از نقاشی، بویژه در مورد کودکان خردسال که نخستین قدمها را در نقاشی بر می دارند می تواند با رضایت خاطر همراه باشد. کلوگ (۱۹۷۰) لذت حرکت و لذت بصری را که کودکان می توانند از نقاشی بدست آورند از یکدیگر تفکیک کرده است. لذت حرکتی ناشی از حرکاتی است که کودک به هنگام کشیدن خطوط احساس می کند و لذت بصری از بازبینی محصول نقاشی با کشیدن خطوط حاصل می شود.

هدف بازنمایی

بسیاری از صاحب نظران آشکارا یا ضمنی بر این عقیده اند که دلیل عمده ای که باعث می شود کودکان نقاشی بکشند ارائه بازنمایی های گرافیکی یا تصاویر است. برای مثال فریمن بر آن است که دلیل اصلی نقاشی کشیدن تصویر سازی است. اما او نیز مانند بسیاری دیگر این مطلب را باز نکرده است که چرا تصویر سازی باید چنین ارزشی داشته باشد. آرنهیم (۱۹۵۶) خاطر نشان می کند که هدف کودکان نمادهاست و اشاره می کند که بیان هنری در قالب نمادهای تصویری با رضایت خاطر جهانی شمول همراه است.

گرچه به نظر میرسد که انگیزه اصلی نقاشی از نفس فعالیت جدایی ناپذیر است. اما نباید تأثیرات اجتماعی خارجی بالقوه مهم بر آن را نیز از یاد ببریم. بدیهی است که بزرگسالان می توانند از طریق میزان مصالحی که در اختیار کودکان می گذارند. بر مقدار نقاشی کودکان تأثیر بگذارند. بعضی والدین ممکن است با نشان دادن

چگونگی کشیدن نقاشیهای ساده به کودکان و بیان داستانهایی درباره این نقاشیها، فعالانه به تشویق کودکان در این زمینه بپردازند بسیاری از نقاشیهای کودکان بویژه آنهایی که توسط کودکان بزرگتر کشیده میشوند برای دیگران به سهولت و بلافاصله قابل درک اند. در نتیجه منطقی است تصور کنیم که دست کم بعضی از نقاشیهای کودکان کوشش به منظور ایجاد ارتباط است و لذا ارتباط گیری با دیگران نیز گاهی اوقات بخشی از انگیزه کودکان برای نقاشی کشیدن را تشکیل می دهد.

### مراحل تحول نقاشی

در بین فعالیتهای کودک، نقاشی فعالیتی است که از تحول شناختی عاطفی و اجتماعی تأثیر میپذیرد و به همین دلیل به مقیاس وسیع در تشخیص روانی و روان درمانگری به کار گرفته می شود.

مؤلفان متعددی مشاهدات بسیار گوناگون خود را درباره مراحل تحول نقاشی کودکان به صورت خصیصه های اجمالی مرحله های پی در پی بیان کرده اند و می توان به اتکای مطالعات پیشرفته ای که از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰ در این باره به عمل آمده اند خط تحول نقاشی را اجمالاً به دست داد :

- قبل از دو سالگی می توان به وجود نگاره هایی ناشی از فعالیت حرکتی، بدون مهارگری دیداری اشاره کرد. یعنی فعالیتی که بسیار کم سازمان یافته است. این مرحله، مرحله خط خطی کردن است، مرحله ای که در میمونهای طراز عالی یعنی شمپانزه ها نیز مشاهده می شود.

- از ۲ تا ۳ سالگی، تقلید از موقعیتهای (نوشتن) همراه با چند عنصر تجسمی (گردی به منزله توپ) و اجرای دستورالعمل (نگاره هایی که کم و بیش بر حسب یک الگو دارای جهت اند)، سیمای مرحله جدید را تشکیل می دهند. این مرحله به منزله آغاز حرکت ترسیمی به معنای واقعی کلمه است.

- از ۳ تا ۵ سالگی، قصد یک شکل پردازی آشکار همراه با تدارک یک نحوه بیان ترسیمی به چشم میخورد. کودک این مرحله تا حدی به الگو توجه می کند اما غالباً طرحی اجمالی و قالبی را جانشین آن می سازد.

- از ۵ تا ۹ سالگی، شاهد مرحله برداری یا باز پدید آوری از شکل‌های هندسی ( به ترتیب دایره، مربع، مثلث، لوزی تا شکل‌های پیچیده تر) هستیم. یادگیری خط، تولید نقاشی‌هایی که عناصر مختلف تجسم در آنها متمایز گردیده اند، همراه با ترکیب طرح‌های پایه با جزئیات بیش از پیش فزاینده، از ویژگی‌های این مرحله اند. در این مرحله، نقاشی‌های کودک دقیق ترند و در وسط صفحه بیشتر تمرکز می یابند.

- از ۹ تا ۱۳ سالگی رها کردن اجمال گری به سود واقع نگری دیداری تری که به شدت قراردادی است و در بسیاری از کودکان از لحاظ تحلیل الگو و تجسم آن رضایت بخش نیست، پایان فرآیند ترسیمی را مشخص می کند.

مسئله تحول نگاره های ترسیمی موجبات پژوهش‌های آنچنان متعددی را به وجود آورده است که غیر ممکن است بتوان در یک مقدمه به آنها اشاره کرد. برای اطلاع از این گسترده باید به آثار ناویل (۱۹۵۱)، لوفلد (۱۹۵۲)، وید لوشه (۱۹۶۵)، هریس (۱۹۷۳)، استریت (۱۹۷۶) و بسیاری دیگر مراجعه کرد.

#### مشخصات نقاشی سالم

در بیشتر راهنماهای تفسیری نقاشی‌های فرافکنی معمولاً پس از اشاره ای گذرا به اهمیت سازگاری به سرعت فهرستی طولانی از ویژگی‌های آسیب شناختی ارائه می شود اغلب چنین فرض می شود که اگر هیچگونه ویژگی آسیب شناختی در نقاشی دیده نشود در این صورت صاحب آن نقاشی احتمالاً شخص سالم و سازگاری است. مورنا (۱۹۸۱) با مرور ادبیات مربوطه به نقاشی‌های افراد سالم، ویژگی‌های مختلف نقاشیها را که نشانگر عزت نفس، اعتماد به نفس، احساس امنیت، کارکرد خوب در روابط میان فردی، باز بودن نسبت به خود و به محیط، روشن بودن درباره جهت یابی جنسی و توانایی مؤثر در سازمان دادن به خود و به زندگی خود را خلاصه کرده است. مشخصات این حوزه در زیر فهرست شده اما عامل زمینه ساز را می توان کیفیت کلی نقاشی دانست. این مطلب به وسیله نظام‌های مختلف نمره گذاری که برای سنجش نقاشیها به کار رفته اند و در وهله نخست کیفیت نقاشی (یا فقدان آن) را به عنوان تنها عامل مشترک شناسایی می کنند، تأیید شده است (شافر، دو زینسکی و توماس ۱۹۸۴).